

سبک‌های پردازش حسی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی آنها

The Relationship Between Sensory Processing Styles and Marital Satisfaction

A. H. Adlparvar, M. A.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

M. S. Sadeghi, Ph.D. ✉

A. Adlparvar, M. A.

S. Khodabakhsh

امیرحسین عدل‌پرور

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد

دکتر محمدعلی مظاهری

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

✉ دکتر منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

آزاده عدل‌پرور

کارشناسی ارشد عمومی، دانشگاه شهید بهشتی

سمیه خدابخش

دریافت مقاله: ۸۸/۶/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۶/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۲۷

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between sensory processing styles and marital satisfaction.

The following self-report measures were given to 136 participant couples (272 women and men) from Tehran who were selected through available

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی پرداخته است. نمونه پژوهش شامل ۱۳۶ زوج (۲۷۲ نفر) ساکن شهر تهران بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش عبارتند از پروفایل پردازش حسی نوجوان - بزرگسال (براون و دان، ۲۰۰۲).

✉ Corresponding author: Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran.

Tel: +9802129902387

Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷

پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

sampling and completed Adolescent/Adult Sensory Profile and Enrich marital satisfaction scale. Data was analyzed through Pearson correlation method. Research findings indicated a positive significant relationship between couple's sensation seeking and marital satisfaction of themselves and their partners; and there is a negative significant relationship between couple's low registration, sensation avoiding and sensory sensitivity styles and marital satisfaction of themselves and their partners. Results of relationship between men and women's score distance in each sensory processing style and marital satisfaction indicate that there is a positive significant relationship between couples score distance in sensation seeking and sensation avoiding and men's marital satisfaction; and there is a negative significant relationship between couples score distance in low registration and their marital satisfaction.

Keywords: sensory processing style (sensation seeking, low registration, sensation avoiding and sensory sensitivity), marital satisfaction.

فرم ۴۰ سؤالی مقیاس رضایتمندی زناشویی انریچ، هنجار شده برای جامعه ایرانی (عسگری، بهمنی و تمدنی، ۱۳۸۵). داده‌های پژوهش با روش همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

نتایج نشان داد که سبک جست‌وجوگری حسی در زنان و مردان با رضایتمندی زناشویی آن‌ها و همسران‌شان رابطه مثبت معنادار دارد و سبک‌های پردازش حسی مثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی در زنان و مردان با رضایتمندی زناشویی آن‌ها و همسران‌شان رابطه منفی معنادار دارد. نتایج حاصل از بررسی رابطه احتمالی فاصله نمرات زوجین در هر سبک پردازش حسی با رضایتمندی زناشویی آن‌ها، نشان داد فاصله نمرات زن و شوهر در جست‌وجوگری حسی و اجتناب‌گری حسی با رضایتمندی زناشویی مردان رابطه مثبت معنادار دارد و فاصله نمرات زن و شوهر در ثبت پایین با رضایتمندی زناشویی زنان و مردان رابطه منفی معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک پردازش حسی (جست‌وجوگری حسی، ثبت پایین، اجتناب‌گری حسی و حساسیت‌پذیری حسی)، رضایتمندی زناشویی

تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش خشونت خانوادگی و بهبود رضایت زناشویی

The Effectiveness of Anger Management Skills Training on Reduction Family Violence and Recovery Marital Satisfaction

M. Tafreshi, M.A. ✉

M. Amiri Majd, Ph.D.

A. Jafari, Ph.D.

✉ مدیا تفرشی

کارشناس ارشد مشاوره

دکتر مجتبی امیری مجد

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد ابهر

دکتر اصغر جعفری

دکترای روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۶/۱۲

پذیرش مقاله: ۹۲/۶/۲۳

Abstract

The present study aimed to determine the effectiveness of anger management skills training on family violence and marital satisfaction of householders in Tehran. Methodology was Quasi-experimental on an available sample of 34 subjects from women referring to health houses in region-2 of Tehran and randomly assigned in experimental and control groups.

✉Corresponding author: Tehran, Saadat Abad, Av 24 Yards, East 4 th Street, No 12.

Tel: +9809124951296

Email: media-tf@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش خشونت خانوادگی و بهبود رضایت زناشویی زنان خانه‌دار در شهر تهران انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی است و برای انجام آن از بین زنان مراجعه‌کننده به خانه سلامت در منطقه ۲ تهران، ۳۴ آزمودنی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

✉نویسنده مسئول: تهران - سعادت‌آباد - بلوار ۲۴ متری - کوچه ۴

شرقی - پلاک ۱۲

تلفن: ۰۹۱۲۴۹۵۱۲۹۶

پست الکترونیکی: media-tf@yahoo.com

Using questionnaires of violence and marital satisfaction, data were collected at pretest, posttest, and follow-up and analyzed by ANCOVA. Results indicated that training of anger management skills can significantly decrease family violence and increase marital satisfaction in householders. In addition, results of follow-up showed that effects of intervention lasted. The results of the study provide some evidence to suggest that training of anger management skills is an appropriate method for reducing violence and increasing marital satisfaction. Anger management skills training help women probably by reinforcement of the behavioral skills of regulation, change and create desirable emotions. As a consequence of decreased undesirable behaviors related to violence, desirable behavioral, emotional and cognitive changes were reinforced in family and marital satisfaction improved.

Keywords: Anger management skills, Family violence, marital satisfaction, householders.

داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی انریچ و خشونت CTS2 در مراحل قبل و بعد از مداخلات و پیگیری جمع‌آوری شد و به‌وسیله تحلیل کوواریانس تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های مدیریت خشم می‌تواند خشونت خانوادگی را در زنان خانه‌دار به طور معنادار کاهش داده و رضایت زناشویی آنان را افزایش دهد. افزون بر این، تحلیل داده‌ها در مرحله پیگیری نشان داد که اثر مداخلات ماندگار بوده است. نتایج این پژوهش شواهدی را پیشنهاد می‌کند که آموزش مهارت‌های مدیریت خشم روش مناسبی برای کاهش خشونت خانوادگی و در نتیجه بهبود رضایت زناشویی می‌باشد. آموزش مهارت‌های مدیریت خشم احتمالاً از طریق تقویت مهارت‌های رفتاری تنظیم و تغییر کرده و ایجاد هیجانات خوشایند به زنان کمک می‌کند که خشونت خودشان را کاهش دهند، در اثر این تغییرات مطلوب رفتاری و هیجانی رضایت زناشویی زنان خانه‌دار بهبود یافت.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های مدیریت خشم، خشونت خانوادگی، رضایت زناشویی، زنان خانه‌دار

بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق
جنسی در زنان دارای همسر مبتلا به دیابت و مقایسه آن با زنان دارای
همسر غیرمبتلا

**The Relationship Between Couple Burnout, Sexual Assertiveness, and
Sexual Dysfunctional Beliefs in Women With Diabetic Husbands and
Comparing Them With Women With Non - Diabetic Husbands**

E. Asadi, M. D.

✉ عدالت اسدی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید بهشتی

L. Mansour, Ph.D.

دکتر لادن منصور

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

A. Khodabakhshi, Ph.D.

دکتر آناهیتا خدابخشی کولایی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

J. Fathabadi, Ph.D.

دکتر جلیل فتح‌آبادی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دریافت مقاله: ۹۰/۵/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۶/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۴

Abstract

This study attempts to consider the relationship between couple burnout, sexual assertiveness, and sexual dysfunctional beliefs in women with diabetic husbands and comparing them with women with non-diabetic husbands.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین دلزدگی زناشویی، احقاق جنسی و باورهای بدکارکردی جنسی در زنان دارای همسر دیابتی و مقایسه آن با زنان دارای همسر غیردیابتی است. پژوهش حاضر روی جامعه نمونه‌ای به اندازه ۲۰۰ نفر صورت گرفته است.

✉ Corresponding author: Kordestan, Saghez, Av
32 Yards, Sarve Alley 4.
Tel: +9809381125114
Email: goli.asadi1984@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: کردستان، سقز، خیابان ۳۲ متری، کوچه سرو ۴
تلفن: ۰۹۳۸۱۱۲۵۱۱۴
پست الکترونیکی: goli.asadi1984@yahoo.com

This study includes a sample population of 200 individuals; 100 women with diabetic husbands and 100 women with non-diabetic husbands. These participants were selected through available sampling method. Both of the groups filled the questioners including personality trait, demographic (self-made), couple burnout (CBM), sexual assertiveness (HISA) and sexual dysfunctional beliefs (SDBQ). Results of multi-variable analysis of variance of the main question of research show that there is a meaningful difference between couple burnout, sexual assertiveness, and sexual dysfunctional beliefs in women with diabetic husbands and women with non-diabetic husbands. Women with non-diabetic husbands had higher sexual assertiveness and lower couple burnout and sexual dysfunctional beliefs than women with diabetic husbands.

It seems that one of the most important factors influencing and increasing couple burnout, increasing wrong sexual beliefs regarding sexual function, and decreasing sexual assertiveness in women is sexual dysfunction of the husband. In fact, women whose husbands suffer from chronic diseases such as diabetes (resulting in sexual dysfunction in patients) have lower sexual assertiveness and higher couple burnout and sexual dysfunctional beliefs comparing to other women.

Keywords: couple burnout, sexual assertiveness, sexual dysfunctional beliefs, diabetes.

۱۰۰ نفر از آنها از جامعه زنان دارای همسر دیابتی و ۱۰۰ نفر دیگر از جامعه زنان دارای همسر غیردیابتی به روش نمونه‌گیری جامعه در دسترس انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه ویژگی‌های دموگرافیک (محقق‌ساخته)، مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM)، شاخص احقاق جنسی هالبرت (HISA) و پرسش‌نامه باورهای بدکارکردی جنسی (SDBQ) بودند. داده‌ها با کاربرد آمار توصیفی (جدول توصیفی داده‌ها، فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی از قبیل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA)، تحلیل شد. نتایج نشان داد، بین دلزدگی زناشویی، باورهای بدکارکردی جنسی و احقاق جنسی در زنان دارای همسر دیابتی با زنان دارای همسر غیردیابتی در هر سه مؤلفه مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد؛ زنان دارای همسر دیابتی در مؤلفه احقاق جنسی از میانگین پایین‌تر و در مؤلفه دلزدگی زناشویی و باورهای بدکارکردی جنسی نیز از میانگین بالاتری نسبت به زنان دارای همسر غیردیابتی برخوردار بودند. با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهمی که در ایجاد یا افزایش دلزدگی زناشویی، تشدید باورهای غلط جنسی در زمینه عملکرد جنسی و میزان پایین احقاق جنسی در زنان تأثیرگذار است، اختلال و کژکارکردی جنسی در همسر می‌باشد. در واقع زنانی که همسرشان از بیمارهای مزمنی چون دیابت (که منجر به اختلال در عملکرد جنسی فرد می‌شود) رنج می‌برند، دارای احقاق جنسی پایین‌تر و میزان دلزدگی زناشویی و باورهای بدکارکردی جنسی بالاتری از سایر زنان هستند.

کلیدواژه‌ها: دلزدگی زناشویی، احقاق جنسی، باورهای بدکارکردی جنسی، دیابت.

رابطه بین هوش هیجانی و رضایت‌مندی زناشویی زوجین مناطق سه‌گانه شهر اصفهان*

The Relationship Between Emotional Intelligence and Couples Marital Satisfaction in Three Regions of the Isfahan

Z. Nasiri

H. A. Raji, Ph.D.

Gh. Ahmadi, Ph.D.

✉ زهره نصیری زارچ

دانشجوی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

دکتر حجت‌الله راجی

متخصص جراحی عمومی

دکتر غلامرضا احمدی

دکترای آموزش بزرگسالان - استادیار دانشگاه آزاد خوارسگان اصفهان

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۶/۸

پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۸

Abstract

This study aims to thoroughly investigate the relationship between emotional intelligence and couples satisfaction performed in three regions of the Isfahan city.

The research design was a descriptive correlative and the statistical population of the study consisted of all married couples who had at least one child in third grade of primary schools and from socioeconomic conditions point of view lived in rich, semi-rich and under rich areas of the city.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رضایت‌مندی زناشویی زوجین مناطق سه‌گانه شهر اصفهان انجام شد. روش تحقیق توصیفی - همبستگی و جامعه آماری متشکل از تمامی زوجین متأهل حداقل دارای یک فرزند در پایه سوم ابتدایی در مناطق برخوردار، نیمه‌برخوردار و ضعیف از لحاظ فاکتورهای اقتصادی - اجتماعی شهر اصفهان بوده است. نمونه پژوهش ۳۱۸ آزمودنی (۱۵۹ زوج) است که به شیوه تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند.

*این تحقیق با همکاری اداره فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان (فرهنگسرای خانواده) انجام گردید.

✉ نویسنده مسئول: یزد، زارچ، خیابان صاحب الزمان، کوچه شریعت،

منزل نصیری

تلفن: ۰۵۶۲۶۲۴۷۷۴

پست الکترونیکی: nasiry_zohreh@yahoo.com

✉ Corresponding author: yazd, Zarch, Saheb Zaman Street, Shariat alley, home Nasiri.

Tel: +9805626224774

Email: nasiry_zohreh@yahoo.com

In the research 318 samples (159 couples) were chosen using random Multi-stage cluster sampling, the research aim was fundamentally based on two standard questionnaires of Bar-On emotional intelligence and ENR-ICH marital satisfaction. The data was analyzed using Pearson correlation method, t-test, stepwise regression. The result analysis showed that in the rich area of the components self-esteem, empathy and impulse control, in the semi-rich area Happiness, Stress Tolerance, Assertiveness, reality testing, flexibility, independence, interpersonal relationship, optimism, impulse control and problem solving and in the under rich area while Stress Tolerance and Assertiveness are the most predictive power, in under rich area. the most significant point of the survey shows that assertiveness, reality testing, impulse control and interpersonal relationships have reversed effects, in the semi-rich area. Considering the result of the study shows that some other major factors influence couples satisfaction as well as emotional intelligence and nowadays, in the modern society satisfying providing couples satisfaction, highly depends on other social economic factor.

Keywords: Family, Emotional Intelligence, Marital satisfaction.

ابزار پژوهش شامل دو پرسش‌نامه استاندارد هوش هیجانی بار - اون و رضایتمندی زناشویی انریچ بود. داده‌های این پژوهش از روش همبستگی پیرسون، آزمون t و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل نتایج نشان داد که در منطقه برخوردار مؤلفه‌های حرمت نفس، همدلی و کنترل تکانه و در منطقه نیمه‌برخوردار، به ترتیب مؤلفه‌های شادمانی، تحمل فشار روانی، جرأت، آزمون واقعیت، انعطاف‌پذیری، استقلال، روابط بین-فردی، خوش‌بینی، حل مسئله و کنترل تکانه و در منطقه ضعیف، به ترتیب مؤلفه‌های تحمل فشار روانی و جرأت بیشترین توان پیش‌بینی را دارند. نکته قابل توجه این‌که مؤلفه‌های جرأت، آزمون واقعیت، روابط بین‌فردی و کنترل تکانه در منطقه نیمه‌برخوردار دارای اثرات معکوس می‌باشند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که هم‌راستا با هوش هیجانی فاکتورهای دیگری بر رضایت زناشویی خانواده تأثیرگذار است و در جامعه مدرن کنونی، جهت تامین رضایت زناشویی به طور حیاتی به سایر نهادهای اجتماعی و فاکتورهای اقتصادی و... وابسته است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، هوش هیجانی، رضایت زناشویی.

تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آنها با طلاق والدین شان

Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program on Children's Adjustment with their Parental Divorce

M. R. Abdi, M.Sc. ✉

T. Porebrahim, Ph.D.

A. M. Nazari, Ph.D.

✉ محمد رضا عبدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر تقی پورابراهیم

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، گروه مشاوره

دکتر علی محمد نظری

عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم)، گروه مشاوره

دریافت مقاله: ۹۰/۵/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۴/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۵/۱۸

Abstract

Divorce is one of the most important phenomenons of human life that not only undermines the psychological balance of the couple but also to change the psychological balance of the children, relatives, and friends. The purpose of the present study is to investigate the impact of Children of Divorce Intervention Program (CODIP).

✉Corresponding author: Dept. of Counseling, Faculty of psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
Tel: +98021- 29901
Email: abdi.mreza@yahoo.com

چکیده

طلاق از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی به شمار می‌آید که نه تنها تعادل روانی دو انسان، بلکه تعادل روانی فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان را نیز به هم می‌ریزد. در مطالعه حاضر به معرفی و بررسی تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق (CODIP) بر میزان سازگاری کودکان با طلاق والدین شان پرداخته شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره
تلفن: ۲۹۹۰۱ - ۰۲۱
پست الکترونیک: abdi.mreza@yahoo.com

A sample of 26 children of divorce (11 boys and 15 girls) between 7 to 9 years old was selected through an available sampling of community. CODIP was conducted on the experimental group over 15 sessions (two sessions per week) once the subjects were randomly assigned to control and experimental groups and completed three questionnaires including Children's Ideas about Divorce scale (CIAD), Parent Evaluation Form (PEF) and Group Leader Evaluation Form (GLEF). Study results based on ANOVA show a significant difference between experimental and control groups ($P < 0/001$). These results indicate that CODIP was effective to increase children's positive feelings and attitudes towards their parental divorce, reduced children's negative feelings toward their parental divorce, improved children's relationships with their parents and peers, and increased problem-solving skills of children.

Keywords: The Children of Divorce Intervention Program, children's adjustment with divorce, Children of divorce, Group counseling.

برای این منظور ۲۶ کودک طلاق (۱۱ پسر و ۱۵ دختر) بین حیطه سنی ۷ تا ۹ سال با استفاده از روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب شدند و پس از انتساب تصادفی آزمودنی‌ها به دو گروه کنترل و آزمایش و انجام سه مقیاس سنجش عقاید کودکان درباره طلاق (CIAD)، فرم ارزیابی والدین (PEF) و فرم ارزیابی رهبر گروه (GLEF) روی آن‌ها به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون، برنامه CODIP طی ۱۵ جلسه یک‌ساعته (هفته‌ای دو جلسه) روی گروه آزمایش اجرا شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخصه‌های توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و انحراف معیار و جهت آزمون سؤالات پژوهش از تحلیل کوواریانس استفاده شد. بررسی نتایج نشان داد که تفاوت بین میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل در سطح $P < 0/001$ معنادار است، که این نتایج حاکی از تأثیر برنامه CODIP در افزایش ابراز احساسات کودکان و نگرش مثبت آن‌ها نسبت به طلاق والدین‌شان، کاهش احساسات منفی کودکان نسبت به طلاق والدین‌شان، بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالان‌شان، و نیز افزایش کاربرد مهارت‌های حل مسئله در آن‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: برنامه مداخله‌ای برای کودکان طلاق، سازگاری کودکان با طلاق، کودکان طلاق، مشاوره گروهی.

مقایسه کمال‌گرایی سالم و ناسالم و تیپ شخصیتی A در سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده دانشجویان

The Comparison of Healthy and Unhealthy Perfectionism and Type A Personality in The Perceived Parenting Styles in University Students

M. Jahanbakhsh, M. A.

A. Khoshkonesh, Ph.D.

M. Heidari, Ph.D.

✉ **مریم جهان‌بخش**

کارشناس ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه شهید بهشتی

دکتر ابوالقاسم خوش‌کنش

استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۱
دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۲/۶/۱۳
پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۵

Abstract

The purpose of the present research is to study healthy and unhealthy perfectionism as well as type A personality based on different parenting styles. With a ex-post-facto method, a sample of undergraduate students at Shahid Beheshti University was selected through random multistage cluster sampling with at least 80 students in every parenting style.

✉Corresponding author: Dept. of Counseling, Faculty of psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
Tel: +9809193303912
Email: mjahanbakhsh.89@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه کمال‌گرایی سالم و ناسالم، و تیپ شخصیتی A متأثر از سبک‌های مختلف فرزندپروری است. روش پژوهش پس‌رویدادی و جامعه آن دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و در نهایت هدفمند بر اساس وجود حداقل ۸۰ نفر در هر یک از سبک‌های فرزندپروری انتخاب شدند. نمونه پژوهش ۴۰۷ نفر شامل ۲۳۵ دختر و ۱۷۲ پسر است.

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره
تلفن: ۰۹۱۹۳۳۰۳۹۱۲
پست‌الکترونیکی: mjahanbakhsh.89@gmail.com

This sample consists of 407 students: 235 girls and 172 boys. The subjects completed three questionnaires of perceived parenting style, positive and negative perfectionism scale and type A personality. The collected data was analyzed by statistical tests MANOVA and ANOVA and Scheffe post hoc test. Results indicated that healthy perfectionism in the authoritative parenting style is more and in negligent parenting style is lower than the other parenting styles. The unhealthy perfectionism of the boys was more than girls. The interactive effect of the two variables namely parenting styles and gender upon healthy perfectionism was significant. Healthy perfectionism in authoritative parenting style in girls was more than boys and in permissive parenting style healthy perfectionism in boys was more than girls. The general effect of parenting styles and general effect of gender in score of type A personality did not show significant difference; however, the interactive effect of parenting styles and gender upon type A personality was supported. Here in permissive parenting style the type A personality in boys is higher than girls and in authoritarian parenting style the type A personality in girls is higher than boys. Conclusion: Due to the crucial role of parents' parenting styles in creating healthy and unhealthy perfectionism and also due to interactive effect of parenting style and gender on the healthy perfectionism and type A personality, educating parents on parenting styles and also giving instruction to the families for raising healthy persons in the society is a high priority.

Keywords: Perceived Parenting Style, Healthy and Unhealthy Perfectionism, Type A Personality.

آزمودنی‌ها به سه پرسش‌نامه ادراک از سبک‌های فرزندپروری، مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی و مقیاس تیپ شخصیتی A پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با آزمون آماری MANOVA، ANOVA و آزمون تعقیبی شفه تحلیل گردید. نتایج، کمال‌گرایی سالم را در سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشتر و در سبک فرزندپروری مسامحه‌کار کمتر از سایر سبک‌های فرزندپروری نشان داد. کمال‌گرایی ناسالم در سبک فرزندپروری سهل‌گیر از مستبدانه بیشتر، همچنین کمال‌گرایی ناسالم در پسران بیشتر از دختران بود. اثر تعاملی سبک‌های فرزندپروری و جنسیت بر کمال‌گرایی سالم معنادار بود به طوری که کمال‌گرایی سالم دختران در سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشتر از پسران و کمال‌گرایی سالم پسران در سبک فرزندپروری سهل‌گیر بیشتر از دختران نشان داده شد.

اثر اصلی سبک‌های فرزندپروری و جنسیت در نمره تیپ شخصیتی A تفاوت معناداری نشان ندادند اما اثر تعاملی سبک‌های فرزندپروری و جنسیت بر تیپ شخصیتی A تأیید شد و مشخص گردید که در سبک فرزندپروری سهل‌گیر تیپ شخصیتی A پسران بیشتر از دختران، و در سبک فرزندپروری مستبد تیپ شخصیتی A دختران بیشتر از پسران است.

بحث و نتیجه‌گیری به دلیل نقش برجسته و مهم سبک‌های فرزندپروری والدین در ایجاد کمال‌گرایی سالم و ناسالم، و به دلیل اثر تعاملی سبک فرزندپروری و جنسیت بر کمال‌گرایی سالم و تیپ شخصیتی A، آگاه ساختن والدین از پیامدهای انواع سبک فرزندپروری و ارائه آموزش‌های خانواده جهت پرورش افراد سالم در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری ادراک شده، کمال‌گرایی سالم و ناسالم، تیپ شخصیتی A.

نقش DNA در اثبات نسب

Role of DNA In Confirm of Lineage

A. Pileh, M.Sc.

A. Ghazvini, Ph.D. ✉

A. Razei, M.Sc.

اعظم پيله

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس قم

دکتر سیدعلی علوی قزوینی ✉

دکترای حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، پردیس قم

علی رضیئی

کارشناسی ارشد علوم سلولی مولکولی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۵/۱۹

پذیرش مقاله: ۹۲/۶/۲۳

Abstract

Considering the importance of the lineage in safeguarding family system and generation stability, the legislator always has made an effort to protection it by legislation.

So far the legislator has provided some evidence including presumption of legitimacy, confession, oral evidence and renown on fatherhood lineage that covert nature of origin is more difficult to prove than mother lineage. As such, the holy legislator has acted carefully.

چکیده

با توجه به اهمیت نسب در حفظ نظام خانواده و ثبات نسل‌ها، اهتمام شارع و قانون‌گذار همواره بر حفظ آن در سایه تقنین بوده است. از این‌رو در فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی برای اثبات نسب پدری که به دلیل پنهانی بودن منشأ آن به مراتب دشوارتر از نسب مادری است، دلائل متعددی مانند قاعده فراش، اقرار، شهادت، استفاضه و... را تعیین کرده است و حتی در فرض نبودن دلایل قوی‌تر به لحاظ کشف واقع، قائل به قابلیت استناد به ضعیف‌ترین ادله هم‌چون قرعه است.

✉Corresponding Author: Ghom, Tehran University, Pardis of Ghom
Tel: +9809122530424
Email: saalavi@ut.ac.ir

✉نویسنده مسئول: قم، جاده قدیم تهران قم، دانشگاه تهران،

پردیس قم

تلفن: ۰۹۱۲۲۵۳۰۴۲۴

پست الکترونیکی: saalavi@ut.ac.ir

On the other hand the legislator in area of proving lineage accepts the weakest evidence in case of absence of strong evidences. Therefore, considering the lack of limitation of proving lineage evidence and manner of legislator approach in this regard, the status of scientific exact methods as DNA test that one of the important uses of these methods in genetics science is proving lineage and determining paternity relationship is considerable. The aim of the present paper is to investigate this point because it seems that authority and applied value of this test to proving lineage based on the Islamic law in view of opinions of Islamic jurist and lawyers is demonstrable.

Keywords: lineage, DNA, presumption legitimacy, authority of definitiveness, common knowledge.

در این میان با توجه به عدم حصری بودن ادله اثبات نسب و نحوه عملکرد شارع در این حوزه، جایگاه روش‌های دقیق علمی چون DNA Typing یا آزمایش DNA که از اهم موارد کاربرد آن در علم ژنتیک، اثبات نسب و تعیین رابطه ابوت می‌باشد، قابل تأمل است، لذا پژوهش حاضر به این مهم پرداخته است، چراکه با توجه به نظرت فقها و حقوقدانان و استناد به ادله اصولی و فقهی از جمله حجیت قطع و علم عرفی، حجیت این آزمایش در اثبات نسب به لحاظ شرعی و قانونی قابل اثبات است.

کلیدواژه‌ها: نسب، DNA، اماره فراش، حجیت قطع، علم عرفی.